

با درود فراوان به حضرت مهدی (عج) منجی عالم بشریت و نائب برحقش خمینی بت شکن و با درود به شهدای اسلام و زینبهای زمان چند جمله‌ای وصیت خود را آغاز می‌کنم:

برادران و دوستانی که مرا قبول دارید و در مرگ من غمگین هستید نصیحت من به شما این است که اسلحه مرا زمین نگذارید و پیوسته با کفار و منافقین در ستیز باشید چه در سرحدات کشور و چه در داخل کشور چه در روبروی شما سنگرسازی نموده است چه با قلم و پستی که دارد و مشغول ضربه زدن و جنایت می‌باشد در هر شکلی و لباس و پستی که باشد. عزیزان بدانید که دشمن در کمین است و غافل نشوید و از هر دری با هر لباسی و رنگی ظاهر می‌شود و شما ای شیعیان علی (ع) علی‌گونه رفتار نمائید و رفتار وی را سرمشق و الگو قرار دهید حالا هر چه می‌خواهد بشود شما به وظیفه دینی خود عمل کنید. نکند خدای ناکرده زمانی وظیفه شرعی خود را طبق مصلحت پامال کنید و رفته رفته چشم باز کنی، در مقابل صدام و دیگر ظالمان باشید. با چشمی باز حرکت کن و ببین قرآن چه گفته، امامان (ع) و وارثان به حق آنها چه می‌گویند. اگر مسلمانید حسین وار و ارد شوید و هراسی از دشمن به دل راه ندهید که چه می‌شود چه خواهد شد بدان مرگ با افتخار از عمر سنگین بهتر است و گول زرق و برقهای دنیا را نخورید نکته سختم با کسانی است که در جای علی (ع) میز قضاوت نشسته و به جای وی امام جمعه و جماعت می‌شوند و خود را وارث وی می‌دانند یا مبلغ اسلام کلاه خود را قاضی نمائید اگر رفتارشان مانند مولایشان است خوب از این بهتر چیست اگر غیر از این هست بدانید که مریض هستند و باید بروند معالجه شوند، پیوسته طرفدار ضعیف باشید و باند بازی و فامیل بازی را خدای نکرده سرمشق کار خود نسازید. توکل بر خدا کنید و روزی حلال بطلبید که همانا خدا با شماست به وظایف دینی خود عمل نمائید که یکی از آنها جهاد در راه خدا است وحدت را حفظ نمائید. گوش به فرمان پیر جماران باشید و خدای نکرده پشت وی را خالی نکنید و گوش به حرفهای چپ و راست و وعده‌های اجانب ندهید. نکند کاری کنید که باز آن قلداران بر شما حکم فرما شوند. وضعیت سابق خود را به خاطر بیاورید کمتر حساب مادیات را بکنید مال دنیا به دنیا می‌ماند. نکند روزی حزباً... از صحنه خارج شود و مشت‌های چابک و خود فروخته جای آنها را بگیرند.

برادران راهی را که رفتم آگاهانه انتخاب کردم و خوشحالم که در این برهه از زمان پاسدار اسلام می‌باشم گرچه لیاقت این اسم را در خود نمی‌بینم. دوست دارم به کربلای حسین (ع) بروم و بعد از زیارت و عرض ادب خدمت بزرگوارش، با کفار بجنگم تا اینکه بدنم در خاکهای گرم کربلا پاره پاره شود و بر زمین بریزد تا در روز قیامت پیش مولایم حسین (ع) سر افکنده نباشم.

در پایان از پدر و مادرم می‌خواهم مرا حلال کنند آنها زحمات زیادی برای من کشیده‌اند و نتوانستم در دنیا پاسخگو باشم. از همسر عزیزم می‌خواهم مرا حلال کند ایشان زحمات زیادی برای من کشیده‌اند و امیدوارم از حضرت زینب (س) پاداش بگیرد.

از برادران خودم می‌خواهم در تربیت فرزندانم همکاری لازم را بنمایند و پیوسته مسائل دینی و از خود گذشتگی را به آنها بیاموزند و برای من ناراحت نباشید اگر اسیر شدم نگرانی به خود راه ندهید اگر مفقود شدم برای من يك یاد بود در مزار شهدای شمس‌آباد درست کنید.

والسلام و علیکم و رحمه الله و برکاته

جواد غیاثوند